

## بررسی نقش عوامل اجتماعی و جمعیتی در تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران

محمد شیری\*<sup>۱</sup>، محمود قاضی طباطبایی<sup>۲</sup>، رسول صادقی<sup>۳</sup> و حسین راغفر<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹

### چکیده

تغییر الگوی مصرف خانوار در ایران یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از تغییرات اجتماعی و جمعیتی بسیار تأثیر پذیرفته است. توجه به مسئله تخصیص منابع محدود کشور و مدیریت جمعیتی الگوی مصرف خانوارهای کشور سبب شده است تا بررسی تغییرات الگوی مصرف و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت بالایی برخوردار باشد. هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر پویایی جمعیت بر تغییرات الگوی مصرف خانوارهای روستایی و شهری بوده است. به منظور نیل به اهداف این مقاله از روش تحلیل ثانویه، با تکیه بر اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ استفاده شده است. همچنین در بررسی نقش تغییرات جمعیت در تغییرات الگوی مصرف، مدل شبه‌پانل در قالب مدل چندسطحی تقاطعی برای انجام مدلی زمان‌مند به کار برده شده است. نتایج مطالعه نشان داد که الگوی مقطعی مصرف خانوار و روند تغییرات الگوی مصرف خانوار با متغیرهای سن سرپرست خانوار، وضعیت رفاهی خانوار، ترتیبات زندگی خانوار و خاستگاه سکونت رابطه معناداری دارد. همچنین، نتایج مدل شبه‌پانل نشان داد که الگوی مصرف خانوار در دوره‌ها و نسل‌های مولید تفاوت معناداری دارد. خانوارهای تک‌نفره و خانواده‌های زن‌وشوهری بدون فرزند در مقایسه با خانواده‌های گسترده در سهم هزینه‌های خوراک، تحصیل و آموزش و ارتباطات تأثیر معکوس و در مقابل در سهم هزینه‌های مسکن و بهداشت و درمان تأثیر مستقیم و مثبتی دارند. با افزایش سن سرپرست خانوار سهم هزینه‌های خوراک، تحصیل و آموزش و ارتباطات کاهش و سهم هزینه‌های مسکن و بهداشت و درمان خانوار افزایش می‌یابد. وضعیت رفاهی خانوار در میزان تخصیص هزینه‌ای خانوار به مقوله‌های خوراک و بهداشت و درمان تأثیر کاهشی و بر مسکن، ارتباطات و تحصیل و آموزش تأثیر افزایشی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی مصرف، ترتیبات زندگی خانوار، چرخه جمعیت‌شناختی، چرخه زندگی مصرف، مدل چندسطحی تقاطعی، مدل شبه‌پانل.

۱. دکتری جمعیت‌شناسی، پژوهشکده آمار (نویسنده مسئول). [Mshiri@srtc.ac.ir](mailto:Mshiri@srtc.ac.ir)

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است که در دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران دفاع شده است.

۲. استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران. [Smghazi@ut.ac.ir](mailto:Smghazi@ut.ac.ir)

۳. استادیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران. [Rassadeghi@ut.ac.ir](mailto:Rassadeghi@ut.ac.ir)

۴. دانشیار دانشگاه الزهرا (سلام... علیها). [Raghhg@yahoo.co.uk](mailto:Raghhg@yahoo.co.uk)

### مقدمه و بیان مسئله

الگوی مصرف خانوار موضوعی چندبعدی است که تحقیقات مختلف با تکیه بر رویکردهای مختلف اقتصادی و اجتماعی به آن پرداخته‌اند. تفاوت‌ها و تمایزات الگوی مصرف افراد جامعه از موضوعاتی بوده است که برخی رویکردهای نظری جامعه‌شناختی همچون نظریات بوردیو، ویلن و وارد به آن پرداخته‌اند. تحقیقات مختلف با تکیه بر نظریات مذکور به بررسی نقش ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح فرد و خانوار پرداخته‌اند. در کنار اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی و سطح خرد در بررسی نقش عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی بر الگوی مصرف، توجه به تغییرات جمعیتی در الگوی مصرف بر غنای علمی تحقیقات این حوزه مطالعاتی خواهد افزود.

پویایی جمعیت و ابعاد آن یعنی میزان رشد، ساختار سنی، باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت و پویایی ترکیب خانوار هرچند به شدت متأثر از محیط و بستر اجتماعی در حال تغییر پیرامونی خودند، اما آن‌ها خود، ابعاد مختلف توسعه نظیر توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی و توسعه پایدار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پویایی جمعیت در کنار تغییرات ساختار و ترکیب خانوار می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی متعددی در پی داشته باشد. یکی از پیامدهای اقتصادی این تغییرات، تغییر در میزان مصرف کل و تغییر الگوی مصرف است.

مدیریت مصرف و تلاش برای اصلاح الگوی مصرف و به تبع آن افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه اقتصادی است. برانسون<sup>۱</sup> (۱۳۸۳) معتقد است کاهش مصرف و به تبع آن افزایش نرخ پس‌انداز، در اقتصاد سبب انتقال مسیر رشد اقتصادی پایا به سطحی بالاتر می‌شود. به عبارتی، افزایش نرخ پس‌انداز اندازه متغیرهای کلیدی اقتصاد را افزایش داده و رفاه اقتصادی را توسعه می‌دهد؛ بنابراین اصلاح الگوی مصرف از پیش‌زمینه‌های توسعه و رشد اقتصادی است. بررسی تغییرات میزان مصرف در ایران نشان می‌دهد که سهم مصرف از تولید ناخالص داخلی در طول سال‌های گذشته در حال افزایش بوده و در سال ۱۳۸۸ این مقدار تقریباً برابر با ۷۰ درصد بوده است که سهم شایان توجهی از این میزان مصرف، متوجه خانوارهاست (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)؛ بنابراین دستیابی به الگوی

1. Branson

پایدار توسعه اقتصادی بدون توجه به اصلاح الگوی مصرف دشوار است. از سوی دیگر، اصلاح الگوی مصرف، بدون شناخت جامع تغییرات میزان و ترکیب مصرف و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن در جامعه امکان‌ناپذیر است. شناسایی عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر الگوی مصرف خانوار می‌تواند در مدیریت جمعیتی اصلاح مصرف مفید باشد. شناخت الگوی مصرف خانوارهای کشور می‌تواند در شناخت گروه‌های هدف در برنامه‌ریزی منابع اقتصادی و تخصیص بهینه آن ثمربخش باشد.

در کنار تغییرات کاهشی میزان رشد جمعیت مناطق شهری از ۵ درصد در دوره ۴۵-۱۳۳۵ به ۱/۹۶ درصد در دوره ۹۰-۱۳۸۵، تغییرات کاهشی رشد جمعیت مناطق روستایی و منفی شدن میزان رشد جمعیت مناطق روستایی از دوره ۸۵-۱۳۷۵ (۰/۴۴-) و تداوم آن در دوره ۱۳۸۵-۹۰ (۰/۶۳-) نشان‌دهنده تغییرات زیاد و شتابان جمعیتی مناطق روستایی در دهه‌های اخیر است. کاهش و منفی شدن رشد جمعیت مناطق روستایی در کنار تغییر تقسیمات کشور (تبدیل روستاها به شهر) از تغییرات چشمگیر مؤلفه‌های پویایی جمعیت (باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت) حکایت دارد (صادقی، ۱۳۹۲). سطح بالای میزان باروری کل مناطق روستایی (۸/۴ فرزند در سال ۱۳۶۳) در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، با طی روند مستمر کاهشی در سال ۱۳۹۰ به سطح باروری جانشینی (۲/۱۹ فرزند) رسیده است (عباسی شوازی، ۱۳۹۲). افزایش امید زندگی بدو تولد مناطق روستایی (از ۵۵ سال در سال ۱۳۶۵ به ۷۰ سال در سال ۱۳۹۰) در نتیجه توسعه زیرساخت‌های سلامت و ارتقای سطح بهداشتی و درمانی از مهم‌ترین عواملی بوده است که در تغییرات جمعیتی این مناطق نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. بالابودن سطح مهاجرت‌های روستا-شهری در نیم قرن اخیر به همراه الگوی سنی مهاجران روستا-شهری که اغلب نشان‌دهنده مهاجرت جوانان مناطق روستایی است (قاسمی اردهایی و دیگران، ۱۳۸۷) از عواملی بوده است که در کاهش رشد جمعیت مناطق روستایی و افزایش جمعیت مناطق شهری و تغییرات ساختار سنی و ترتیبات زندگی خانوار در این مناطق پراهمیت بوده است؛ بنابراین، تغییرات ساختار سنی و ترتیبات زندگی خانوار از مهم‌ترین مؤلفه‌های پویایی جمعیت است که به تبع تغییرات باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت رخ داده است. مجموعه تغییرات جمعیتی مذکور همراه با ابعاد مختلف تغییرات اجتماعی در مناطق روستایی و شهری سبب شده است تا به پیامدهای این تغییرات در ابعاد اقتصادی و اجتماعی توجه بیشتری شود.

تغییرات الگوی هزینه‌های مصرف خانوار از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی است که از تغییرات جمعیتی و اجتماعی ذکر شده تأثیرپذیر بوده و در تحقیقات متعدد به اثبات رسیده است. نتایج تحقیقات ارلندسن<sup>۱</sup> و نیمون<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که در چرخه زندگی، تغییرات ساختار سنی بر میزان مصرف تأثیر معناداری دارد. افزایش باروری و سپس کاهش آن در کنار کاهش مرگ‌ومیر در طول زمان سبب به وجود آمدن تغییرات اساسی در ساختار سنی و حجم جمعیت شده و این تغییرات، توأمان بر پویایی مصرف تأثیرگذار بوده است. به طوری که با استقرار ساختار سنی جوان در جامعه، حجم تقاضای مصرف کاهش و با تغییر ساختار به ساختار سالخورده تقاضای مصرف افزایش می‌یابد (مارتینز و دیگران، ۲۰۱۲؛ آتفیلدو کنون، ۲۰۰۳؛ میسون، ۱۹۹۶؛ گوارا و همکاران، ۲۰۱۱؛ هوک و ویل، ۲۰۰۶؛ ارلندسن، ۲۰۰۳؛ ارلندسن و نیمون، ۲۰۰۸؛ لغبور، ۲۰۰۷).

در سطح خرد نیز، تغییرات میزان مصرف با تکیه بر تغییرات ترتیبات زندگی و ساختار خانوار تبیین می‌شود. نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه نقش ویژگی‌های خانوار در الگوی مصرف خانوار نشان می‌دهد که ساختار خانوار در ابعاد مختلف آن نظیر ترکیب سنی (رنتز، ۱۹۹۱؛ لغبور، ۲۰۰۷)؛ بعد خانوار (مودگیلیانی، ۱۹۸۶؛ مانیچی، ۲۰۰۳)، تعداد کودکان، نوجوانان و سالمندان در خانواده (هالورسن، ۲۰۰۳: ۵؛ کروگرو همکاران، ۲۰۰۴)، محل سکونت (سان، ۲۰۰۴؛ یوسف، ۲۰۱۰: ۶)، وضعیت اشتغال افراد خانوار (مانیچی، ۲۰۰۳؛ بانکز و همکاران، ۱۹۹۸)، تعداد مرد و زن در خانوار، درآمد خانوار و سن سرپرست خانوار (مارتینز، ۲۰۱۲؛ رضایی قهرودی، ۱۳۹۰؛ مارکو و صالحی اصفهانی، ۲۰۱۰) بر میزان مصرف کل و میزان مصرف در ترکیب‌های مصرفی تأثیر معنادار دارد. برخی از تحقیقات نیز بر مناطق روستایی متمرکز بوده و بر نقش عوامل جمعیتی (ساختار سنی، ترتیبات زندگی خانوار، ترکیب خانوار)، اجتماعی و اقتصادی (سطح تحصیلات، وضع زناشویی، وضعیت اشتغال، درآمد خانوار) در الگوی مصرف تأکید داشته‌اند (ایبرو و دیگران، ۲۰۱۲؛ ستی و دیگران، ۲۰۱۲؛ چاترجی و دیگران، ۱۹۶۹).

نگاهی مقطعی و زمانمند بر الگوی مصرف خانوار در کشور، بر وجود تفاوت الگوی مصرف خانوار در مناطق شهری و روستایی حکایت دارد. الگوی مقطعی مصرف خانوار مناطق

1. Erlandsen  
2. Nymoer

روستایی کشور نشان می‌دهد که سهم هزینه‌های مصرفی خوراک، مسکن، بهداشت و درمان از مهم‌ترین هزینه‌های مصرفی خانوارهاست. در مقابل، در مناطق شهری، سهم هزینه‌های مصرفی مسکن از سایر هزینه‌های مصرفی خانوار بالاتر بوده و هزینه‌های خوراک و بهداشت و درمان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. تغییر در سهم هزینه‌های مصرف خانوار طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی قابل استنباط است. کاهش سهم هزینه‌های خوراک و افزایش سهم هزینه‌های مسکن، بهداشت و درمان و ارتباطات از مهم‌ترین ویژگی‌های این تغییرات است. مع الوصف، سؤال اساسی این است که آیا الگوی معناداری از تغییرات سهم هزینه‌های مصرف خانوارهای روستایی و شهری قابل شناسایی است؟ عوامل اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی بر تغییرات الگوی هزینه‌های مصرف خانوارهای روستایی و شهری چه تأثیری دارند؟ تغییرات ساختار سنی سرپرست خانوار، وضعیت رفاه خانوار و ترتیبات زندگی خانوار بر تغییرات سهم هزینه‌های مصرفی خانوار روستایی و شهری چه نقشی دارند؟

هدف اصلی این مقاله پاسخ به پرسش‌های مذکور است. افزون بر این، آنچه در تحقیقات پویایی الگوی مصرف، مغفول مانده است، عدم توجه به مدل‌سازی طولی و زمان‌مند تغییرات الگوی مصرف خانوار و تمرکز بر مدل‌سازی مقطعی الگوی مصرف خانوارها، آن هم در سطح خانوارهای کل کشور و یا خانوارهای شهری بوده است؛ بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی الگوی مصرف خانوارهای روستایی و شهری در قالب مطالعه شبه‌پانل و زمان‌مند و با استفاده از رویکرد چندسطحی است.

### چارچوب نظری

موضوعات میان‌رشته‌ای به سبب برخورداری از تأثیرپذیری چندوجهی از حوزه‌های مطالعاتی خود، به طراحی مدلی نظری-تبیینی جامع با در نظر گرفتن ابعاد مذکور نیازمندند؛ به عبارت دیگر، بایستی در تبیین‌های نظری، به طور همزمان، بر رویکردهای خردنگرانه و کلان‌نگرانه توجه داشت. رویکردهای عاملیت‌گرا با تکیه بر نقش عاملیت در تغییرات پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی رویکرد تبیینی سطح خرد را انتخاب می‌کنند. در مقابل، رویکردهای ساختارگرا با توجه به تغییرات ساختار و الگوی ساختاری حاکم، چارچوب تبیینی کلان‌نگرانه‌ای را نشان

می‌دهند. مع‌الوصف، تقلیل چارچوب تبیینی به رویکردهای جزئی‌نگرانه و یا کل‌نگرانه، مدل تبیینی را در بیان تحلیل‌های واقع‌گرایانه و کارآمد با مشکل مواجه خواهد ساخت. بررسی نقش تغییرات ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی خانوار در تغییرات الگوی مصرف از موضوعات میان‌رشته‌ای اقتصاد و جمعیت‌شناسی است که از قاعده مذکور مستثنا نبوده و به رویکرد نظری میان‌رشته‌ای و چندسطحی نیازمند است.

"نظریه چرخه زندگی" مودگیلیانی (۱۹۸۶) مهم‌ترین نظریه مرتبط با تغییرات مصرف است که ارتباط تنگاتنگ آن با ساختار جمعیت انکارناپذیر است. مودگیلیانی در نظریه خود بر نقش چرخه زندگی در رابطه بین درآمد، مصرف و پس‌انداز اشاره دارد. از دید مودگیلیانی، مصرف افراد با روند ثابت بطئی در طول چرخه زندگی افزایش می‌یابد. در مقابل، درآمد افراد در دوران کودکی و سالمندی کاهش و در دوران فعالیت افزایش می‌یابد؛ بنابراین در دوران فعالیت منحنی درآمد با شکاف بیشتری بالاتر از منحنی مصرف خواهد بود. در مقابل، در دوره سالمندی و کودکی با توجه به ثابت بودن سطح مصرف، منحنی درآمد پایین‌تر از مصرف است. برآیند این مهم، پس‌انداز صفر افراد در طول چرخه زندگی است. با تعمیم این نظریه در سطح کلان می‌توان اذعان داشت با تغییرات ساختار سنی در طول زمان، درآمد، مصرف و پس‌انداز در جامعه نیز دستخوش تغییر خواهد شد؛ به عبارت دیگر، با استقرار الگوی خاصی از ساختار سنی، درهم‌کنش درآمد، مصرف و پس‌انداز تغییر می‌کند. تبیین روابط این سه متغیر در قالب فازهای گذار سنی درک این موضوع را آسان‌تر می‌کند. در بستر گذار سنی با استقرار فاز کودکی و سالمندی در ساختار جمعیت یک کشور، سهم مصرف جامعه بیشتر شده و جامعه به سوی یک جامعه مصرفی حرکت می‌کند. در مقابل، با استقرار ساختار جوان و میانسال (به طور کلی جمعیت در سنین فعالیت)، در ساختار جمعیت یک کشور زمینه کاهش مصرف و افزایش تولید و درآمد افزایش خواهد یافت.

کنشگر در علم اقتصاد به ویژه در نظریه نئوکلاسیک‌ها فردی است که به قصد حداکثر کردن سود و فایده‌مندی‌اش عمل می‌کند. در حالی که در جامعه‌شناسی کنشگر در تعامل با سایر افراد بررسی می‌شود. فرض نئوکلاسیک‌ها این است که با کنشگر عقلانی روبرو هستند که بهترین انتخاب را انجام می‌دهد. لذا مصرف، مطالعه رفتار عقلانی مصرف‌کننده است. اقتصاددانان جامعه مصرفی را امر بیرونی تلقی می‌کنند و تنها به تحلیل فرد مصرف‌کننده می‌پردازند و در این راه از روش‌های تجربی و ریاضی سود می‌گیرند (مارتینز، ۲۰۱۰).

رویکردهای جامعه‌شناختی مصرف سعی دارند تا مصرف‌کنندگان و رفتار مصرفی آنان را در ارتباط با ویژگی‌های سازمان اجتماعی، تمایزات و تضادهای اجتماعی، نهادها و مکانیزم‌هایی که ساختار و رفتار اجتماعی را شکل می‌دهند کنکاش کنند. مطابق با نظر وارد<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) جامعه‌شناسی مصرف موضوعاتی را شامل می‌شود که تمایزات اجتماعی را در بر می‌گیرد. این مهم در کارهای وبلن<sup>۲</sup>، وبر<sup>۳</sup>، بوردیو<sup>۴</sup> و سایر جامعه‌شناسان آمده است. جامعه‌شناسی، مصرف‌گرایی را به عنوان شکلی از فرهنگ و جامعه مصرفی در نظر می‌گیرد. توجه به جامعه‌شناسی مصرف، زمینه مطرح‌شدن موضوعاتی همچون قشربندی اجتماعی، تحرک اجتماعی و کنش‌های سیاسی را فراهم می‌سازد (مارتینز، ۲۰۱۲).

شاید بتوان گفت بوردیو از مهم‌ترین جامعه‌شناسانی است که بر رابطه الگوی مصرف و تمایزات اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته است. به باور بوردیو، انسان‌ها با کمیت و کیفیت مصرف، خودشان را تعریف می‌کنند و از این طریق تشخیص می‌یابند. بوردیو در نظر داشت تا تحلیل کند که چگونه گروه‌های خاص به ویژه طبقات اجتماعی و اقتصادی از میان سایر چیزها، انواع کالاهای مصرفی را به کار می‌گیرند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص کنند و خود را از دیگران متمایز سازند (بوردیو، ۱۳۹۰). از دید بوردیو میزان مصرف و چگونگی ترکیب مصرف تبلوری از موقعیت اقتصادی و اجتماعی متمایز او در جامعه بوده است. روزنبری که به نظریه‌پرداز اقتصادی مصرف مشهور است، دو مفهوم اثر نمایشی<sup>۵</sup> و اثر چرخ‌دنده‌ای<sup>۶</sup> مصرف را در قالب رویکرد جامعه‌شناختی تبیین کرده است. بر مبنای مفهوم اثر نمایشی میزان و ترکیب مصرف افراد در جامعه، تنها بر سطح درآمد مبتنی نیست بلکه تا حدودی بر مصرف و درآمد افراد هم‌گروه در جامعه نیز مبتنی است. این مفهوم با نظر بوردیو در زمینه انطباق الگوی مصرف افراد در جامعه با موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان قرابت دارد. اثر چرخ‌دنده‌ای نشان می‌دهد که افراد پس از عادت‌کردن به یک سطح مصرفی در مقابل کاهش آن مقاومت نشان می‌دهند (راغفر و دیگران، ۱۳۹۳).

- 
1. Warde
  2. Veblen
  3. Weber
  4. Bourdieu
  5. Demonstration Effect
  6. Ratchet Effect

نظریه چرخه جمعیت‌شناختی<sup>۱</sup> مهم‌ترین چارچوب نظری است که در ارتباط میان تغییرات جمعیتی و نقش آن در تغییرات اقتصادی و اجتماعی بیان شده است. بر طبق این نظریه، متابولیسم جمعیتی به واسطه تفاوت در اندازه جمعیت و رشد جمعیت، الگوهای جمعیتی متفاوتی را در طول زمان در قالب دوره‌های متفاوت شکل می‌دهد. این نظریه بیشتر در تبیین تاریخی نقش تغییرات جمعیتی در موضوعات اقتصادی و اجتماعی به کار رفته است. مسائل مرتبط با تحلیل نظری و عدم دسترسی بر اطلاعات جمعیتی و اقتصادی و عدم به کارگیری روش‌های دقیق تبیینی در مطالعه نقش این دوره‌ها، مهم‌ترین نقد روش‌شناختی در به کارگیری نظریه چرخه جمعیت‌شناختی بوده است. نغدو<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) با هدف توسعه روشی برای انجام این کار و تعیین ویژگی‌های نوعی دوره‌های جمعیت‌شناختی، نقش دوره‌های جمعیتی را که بر میزان رشد جمعیت، اندازه جمعیت و ترکیب جمعیتی استوار بوده است، بر مؤلفه‌های اقتصادی همچون سطح زیر کشت، مصرف، توسعه زمین‌های کشاورزی مطالعه کرده است.

تقسیم‌بندی دوره‌های جمعیتی در بررسی نقش چرخه‌های جمعیتی در پیامدهای اقتصادی و اجتماعی با تکیه بر رشد جمعیت، اندازه جمعیت در حقیقت مراحل انتقال جمعیتی را متبادر می‌سازد. با وجود این، توجه به تغییرات ساختار سنی و ترتیبات زندگی خانوار از مهم‌ترین مسائلی است که می‌تواند در رفع انتقاد روش‌شناختی بر نظریه چرخه جمعیتی ثمربخش باشد.

با تکیه بر این نظریه، متابولیسم جمعیتی به ایجاد دوره‌های جمعیتی متفاوت منجر می‌شود. این دوره‌های جمعیتی در شکل‌گیری دوره‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر است؛ بنابراین شناسایی دوره‌های متفاوت از نظر رشد جمعیت، تغییرات باروری، ساختار سنی، ساختار خانوار و غیره می‌تواند در تبیین پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مفید و کارآمد باشد. الگوی مصرف از جمله مهم‌ترین رفتارهای اقتصادی است که تبیین آن در قالب دوره‌های جمعیتی مطرح نظر است. نظریه چرخه جمعیت‌شناختی یکی از جنبه‌های مطالعاتی جدید در تاریخ اجتماعی و اقتصادی است. مهم‌ترین ویژگی این چرخه‌ها به کارگیری مدل‌های پویایی جمعیتی است.

---

1. Demographic Cycle Theory  
2. Nefedov



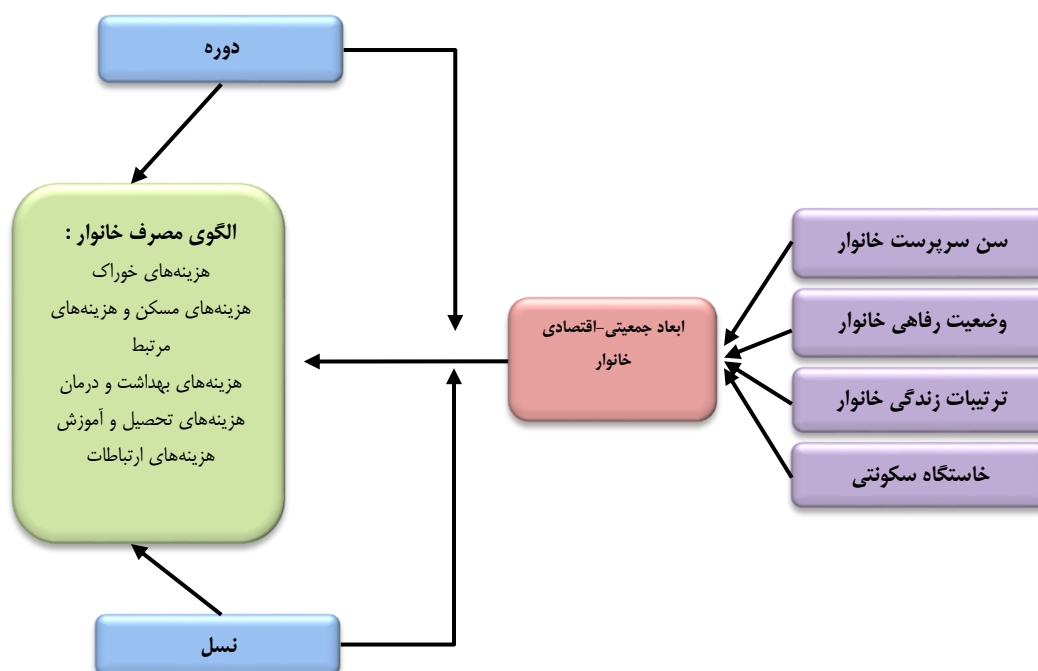
جمعیت‌شناس و زیست‌شناس آمریکایی ریموند پیرل<sup>۱</sup> اساس نظریه چرخه جمعیت‌شناسی را از طریق بررسی تغییرات کمی جمعیت انسانی پایه‌ریزی کرد. نفدو (۲۰۰۳) با هدف توسعه روشی برای تعیین ویژگی‌های نوعی دوره‌های جمعیت‌شناختی، مدل ریاضی را پیشنهاد کرد که بر اساس آن بتوان فرایندهای اقتصادی را در دوره‌های جمعیت‌شناختی مذکور شبیه‌سازی کرد. در این مدل، نقش دوره‌های جمعیتی که بر میزان رشد جمعیت، اندازه جمعیت و ترکیب جمعیتی استوار بوده بر مؤلفه‌های اقتصادی همچون سطح زیر کشت، مصرف، توسعه زمین‌های کشاورزی مطالعه شده است.

در اغلب تحقیقات اقتصادی که بر ارتباط پویایی جمعیت با تغییرات اقتصادی تأکید داشته‌اند، دوره‌های جمعیتی مبتنی بر رشد جمعیت تعریف شده است؛ می‌توان مبنای نظری برای تقسیم‌بندی دوره‌های جمعیتی را در قالب نظریه انتقال جمعیتی مطرح کرد؛ به عبارت دیگر، مطالعه میزان رشد اقتصادی، تحول میزان مصرف، میزان بیکاری، میزان تورم به تفکیک دوره‌های جمعیتی در قالب چرخه‌های نظریه انتقال جمعیتی انجام می‌شود.

اگرچه تقسیم‌بندی دوره‌های جمعیتی با تکیه بر دوره‌های انتقال جمعیتی و میزان رشد جمعیت می‌تواند ابعاد کوتاه‌مدت اقتصادی و اجتماعی را نمایان سازد، ولی در نظر گرفتن گذار سنی و تغییرات ساختار سنی به مثابه وجه تکمله گذار جمعیتی در تقسیم‌بندی دوره‌های جمعیتی پراهمیت است. به بیان روشن‌تر، تغییرات ساختار سنی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن همچون پنجره جمعیتی بخش کامل‌کننده انتقال جمعیتی است چرا که این تغییرات در نتیجه گذار جمعیتی رخ می‌دهد؛ بنابراین، در مدل‌سازی دوره‌های جمعیتی بایستی علاوه بر رشد و ترکیب جمعیت به گذار ساختار سنی توجه کرد.

به طور کلی، بر طبق نظریه مودیگیلیانی هزینه‌های مصرف علاوه بر درآمد، تابعی است از تغییرات ساختار سنی. با وجود این، ساختار سنی علاوه بر کل هزینه‌های مصرف بر الگوی هزینه‌های مصرفی و یا به عبارت بهتر ترکیب مصرفی خانوار نیز مؤثر است. خانوارهایی که ساختار سنی متفاوتی دارند و یا از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوتی برخوردارند، الگوی هزینه‌های مصرفی متفاوتی دارند؛ بنابراین، تغییرات ساختار جمعیت می‌تواند در تغییرات الگوی مصرف نقش داشته باشد. نظریه چرخه جمعیت‌شناسی نیز بر نقش تغییرات ساختار سنی بر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد. تأثیر تجارب مشترک درون‌نسلی و

تفاوت بر خورداری از الگوی مصرف از مباحثی است که نقش نسل را در پیامدهای اقتصادی و اجتماعی پررنگ تر می‌سازد. شکل ۱، مدل تحلیلی مقاله را در بررسی نقش عوامل جمعیتی در شکل دهی الگوی مصرف خانوار نشان می‌دهد. در مدل دوسطحی متقاطع مورد استفاده در این مقاله، میانگین هزینه‌های مصرفی بر اساس ویژگی‌های جمعیتی خانوار در سطح ۱ و تأثیر تصادفی متقاطع دوره و نسل به تفکیک ۳۰ دوره از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ و ۹ نسل برآورد خواهد شد.



شکل ۱. مدل تحلیلی عوامل جمعیتی مؤثر بر الگوی مصرف خانوار

### روش تحقیق

به منظور بررسی روند تغییرات مصرف خانوارهای روستایی و شهری و عوامل جمعیتی مؤثر بر این تغییرات از روش تحقیق تحلیل ثانویه با تکیه بر داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ استفاده شده است. پرسشنامه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار از چهار قسمت خصوصیات جمعیتی اعضای خانوار، اطلاعات امکانات تسهیلات خانوار، هزینه‌های خانوار و درآمدهای اعضای خانوار تشکیل شده است.

گذشته از خطای معیار پایین و مورد قبول اطلاعات گردآوری شده در طرح هزینه و درآمد خانوار، از دو روش به منظور ارزیابی صحت و قابلیت اعتماد داده‌ها استفاده شده است: ارزیابی صحت گزارش سن و ارزیابی به روش اعتبار معیار. نتایج ارزیابی صحت گزارش سن با به کارگیری شاخص‌های ویپل، مایرز و باچی از رقم مورد قبول این شاخص‌ها برای مردان و زنان در طول دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ حکایت دارد. افزون بر این، ثبات روند تغییرات مقادیر شاخص‌های ویپل، مایرز و باچی در طول دوره مزبور از پایایی اطلاعات گردآوری شده در این پیمایش حکایت دارد. در بررسی اعتبار معیار داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار، مقدار مورد قبول شاخص عدم تشابه ساختمان سنی<sup>۱</sup> از تشابه ساختمان سنی منتج از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و پیمایش هزینه و درآمد خانوار حکایت دارد. همچنین انطباق نسبی الگوی ترتیبات سنی خانوار برگرفته از پیمایش هزینه و درآمد خانوار و سرشماری عمومی نفوس و مسکن نیز شاهدهی بر وجود اعتبار معیار اطلاعات گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش خانوارهای کل کشور است. نمونه مورد بررسی نیز از جمعیت کل کشور انتخاب شده است. شیوه انتخاب نمونه به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. در دوره قبل از سال ۱۳۸۸، نمونه‌گیری چندمرحله‌ای به صورت مستقل و با انتخاب مستقل خوشه‌ها، بلوک‌ها و خانوارهای مورد مطالعه انجام می‌شد. به عبارت بهتر خانوارهای نمونه با انتخاب خوشه‌ها در استان، بلوک‌ها در داخل خوشه‌ها و نهایتاً انتخاب تصادفی سیستماتیک خانوارها انتخاب شده‌اند. در دوره پس از سال ۱۳۸۸، نمونه‌گیری بر مبنای نمونه پایه سرشماری‌ها استوار بوده است. به طوری که چارچوب نمونه‌گیری مرحله اول طرح نمونه، پایه آمارگیری خانواری است که شامل واحدهای نمونه‌گیری مرحله اول (خوشه‌ها) می‌شود. هر خوشه شامل یک بلوک، بخشی از بلوک بزرگ یا در مواردی مجموعه‌ای از چند بلوک کوچک است که بر اساس اطلاعات سرشماری ساخته شده است.

۱. مقدار معیار شاخص عدم تشابه ساختمان سنی برابر با ۱۰ است که در سال ۱۳۷۵ (۶/۷ برای مردان و ۸/۴ برای زنان) در ۱۳۸۵ (۹/۸ برای مردان و ۷/۳ برای زنان) و در سال ۱۳۹۰ (۸ برای مردان و ۵/۹ برای زنان) مقدار این شاخص از مقدار استاندارد پایین‌تر است.

### متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق سهم هر کدام از مقوله‌های مصرفی در ترکیب مصرف خانوار است. به عبارت بهتر، سهم هزینه‌های مصرفی خوراک، بهداشت و درمان، ارتباطات، مسکن، آب و سوخت، تحصیل و آموزش از سبد هزینه‌ای خانوار است. در طرح هزینه و درآمد خانوار تغییرات میزان مصرف خانوار با تغییرات میزان هزینه‌های مصرفی خانوار برابر فرض می‌شود؛ به عبارت دیگر، مقدار هزینه‌های پولی که خانوار برای تأمین اقلام مصرفی مختلف صرف می‌کند، نشان‌دهنده میزان مصرف است؛ بنابراین، مقدار هزینه‌های صرف شده برای تأمین هر یک از مقوله‌ها از کل مقدار هزینه‌های مصرفی، سهم هزینه‌ها به تفکیک مقوله‌های مصرفی را مشخص می‌سازد؛ اما آنچه در زمینه میزان هزینه‌های مصرفی قابل ذکر است این است که مقادیر فوق به قیمت اسمی است نه واقعی؛ به عبارت بهتر از مقدار هزینه‌های مصرفی تورم‌زدایی صورت نگرفته است.

محاسبه سهم هزینه‌های مصرفی در ترکیب مصرف با قیمت‌های اسمی برای یک سال معین در نتایج تغییری ایجاد نمی‌کند اما در صورتی که هدف، بررسی تغییرات سهم هزینه‌های خانوار در طول دوره متوالی باشد بهره‌گیری از قیمت‌های اسمی در محاسبه مقدار مصرف خانوار با خطا مواجه است. همچنان که هدف این مطالعه نیز بررسی تغییرات سهم خانوار در دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ است، بنابراین برای کنترل این منبع خطا از قیمت‌های واقعی برای تعیین سهم هزینه‌های خانوار در ترکیب‌های مصرفی استفاده شده است. با محاسبه قیمت‌های واقعی از طریق تورم‌زدایی از مقدار هزینه‌ها، تغییر مقدار هزینه‌های مصرفی در طول دوره مورد بررسی نشان‌دهنده تغییرات میزان مصرف خواهد بود. مقدار هزینه‌های واقعی مصرف از طریق نسبت هزینه‌ها در مقوله‌های مصرفی بر مقدار شاخص قیمت متناظر هر کدام از مقوله‌های مصرفی به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل در تبیین الگوی مصرف خانوارها در دو سطح مدل‌سازی شده‌اند. در سطح خانوار، متغیرهای مستقل تحقیق به شرح زیر است:

• ترتیبات زندگی خانوار<sup>۱</sup>، سن سرپرست خانوار، وضعیت رفاهی خانوار<sup>۲</sup> و خاستگاه سکونتی.

• در سطح دوم، متغیرهای نسل و دوره به صورت تقاطعی مدل‌سازی شده است. تأثیر نسل و دوره (سطح دوم) در الگوی مصرف (سهم هزینه‌های مصرفی خوراک، بهداشت و درمان، مسکن و هزینه‌های مرتبط، تحصیل و آموزش و ارتباطات) در قالب تأثیرات تصادفی مدل‌سازی شده است. متغیر دوره شامل ۳۰ دوره از سال ۱۳۹۲-۱۳۶۳ مدل‌سازی شده است. متغیر نسل نیز ۹ نسل متولدین قبل از سال ۱۲۹۴، متولدین ۱۳۰۴-۱۲۹۴، متولدین ۱۳۱۴-۱۳۰۵، متولدین ۱۳۲۴-۱۳۱۵، متولدین ۱۳۳۴-۱۳۲۵، متولدین ۱۳۴۴-۱۳۳۵، متولدین ۱۳۵۴-۱۳۴۵، متولدین ۱۳۶۴-۱۳۵۵ و متولدین ۱۳۷۴-۱۳۶۵ را شامل می‌شود.

### مدل چندسطحی شبه پانل

به دلیل محدودیت‌های مختلف در گردآوری داده‌های طولی و پانلی در بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی، بهره‌گیری از اطلاعات آمارگیری‌های خانواری مستقل مقطعی به طور مکرر در یک دوره زمانی منظم (سالانه یا کم‌تر از یک سال) می‌تواند در دستیابی به نتایج تحقیقات شبه طولی بسیار مفید باشد. با این که در چنین آمارگیری‌هایی، خانوارهای متفاوتی در

۱. متغیر ترتیبات زندگی خانوار که مبین ترکیب خانوار است از طریق رابطه اعضای خانوار با سرپرست خانوار اندازه‌گیری شده است. متغیر ترکیب خانوار در این پژوهش در قالب ۵ نوع ترکیب خانوار اندازه‌گیری شده است؛ خانوار تک‌نفره، خانواده زن‌وشوهری بدون فرزند، خانواده زن‌وشوهری با فرزند ازدواج نکرده، خانواده تک‌والد و خانواده گسترده.

۲. متغیر وضعیت رفاهی خانوار که نشان‌دهنده میزان برخورداری خانوارها از تسهیلات زندگی و امکانات رفاهی خانوار است، ترکیبی از امکانات مهندسی بهداشت، وسایل منزل، نوع تصرف منزل مسکونی، تعداد اتاق در اختیار بوده است. به منظور ایجاد این متغیر، کدهای متغیرهای مربوط به امکانات و وسایل رفاهی خانوار، نحوه تصرف منزل مسکونی، تعداد اتاق در اختیار خانوار و نوع مصالح مورد استفاده منزل مسکونی وزن داده شده و سپس با استفاده از مجموع وزن خانوار، متغیر موقعیت اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده است. وزن‌های مورد استفاده برای هر یک از متغیرها عبارت‌اند از: متغیرهای امکانات و وسایل رفاهی خانوار، نمره ۳ برای خانوارهایی که از اتومبیل برخوردارند و نمره ۲ برای خانوارهای برخوردار از هر کدام از امکانات و وسایل زندگی اختصاص داده شده است. در زمینه متغیر نحوه تصرف منزل مسکونی، نمره ۶ برای خانوارهای شهری که نوع تصرف منزل مسکونی عرصه و اعیان است، نمره ۵ برای خانوارهای شهری که نوع تصرف منزل مسکونی اعیان است، نمره ۲ برای خانوارهای شهری که نوع تصرف منزل مسکونی عرصه و اعیان است و نمره ۱ برای خانوارهایی که نوع تصرف منزل مسکونی به جز سه نوع مذکور است. نمره ۴ برای خانوارهای روستایی که نوع تصرف منزل مسکونی عرصه و اعیان است، نمره ۳ برای خانوارهای روستایی که نوع تصرف منزل مسکونی اعیان است، نمره ۲ برای خانوارهای روستایی که نوع تصرف منزل مسکونی اجاره‌ای است و نمره ۱ برای خانوارهایی که نوع تصرف منزل مسکونی به جز سه نوع مذکور است. در زمینه متغیر نوع مصالح مورد استفاده منزل مسکونی؛ نمره ۴: اگر منزل مسکونی اسکلت واحد مسکونی فلزی و یا بتن آرمه باشد؛ نمره ۳: اگر منزل مسکونی از اسکلت آجر و آهن یا سنگ و آهن باشد؛ نمره ۲: اگر منزل مسکونی از اسکلت آجر و چوب، سنگ و چوب، بلوک سیمانی یا هر نوع سقف، تمام آجر، سنگ و آجر و یا تمام چوب باشد؛ نمره ۱: اگر اسکلت واحد مسکونی از خشت و چوب و یا خشت و گل باشد.

هر آمارگیری انتخاب می‌شوند، به گونه‌ای که امکان دنبال کردن هیچ یک از افراد در طول زمان وجود ندارد، ولی پیگیری افراد هم‌گروه (افرادی که تاریخ تولد یکسان دارند) از یک آمارگیری به آمارگیری دیگر امکان‌پذیر است. انجام مدل‌های شبه‌پانلی از روش‌های متفاوتی امکان‌پذیر است اما روشی که لی<sup>۱</sup> و همکاران در قالب مدل چندسطحی برای انجام مدل شبه‌پانل معرفی کرده‌اند بدون شک یکی از بهترین و جدیدترین روش‌هاست. مدل‌های چندسطحی خطی متقاطع با مدل‌سازی متغیرهای نسل و دوره به صورت تقاطعی در سطح دوم و متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در سطح خانوار (سطح ۱) امکان انجام مدل شبه‌پانل برای بررسی روندی و طولی الگوی مصرف خانوار را فراهم ساخته است. مدل‌های خطی چندسطحی تأثیرات ثابت و تصادفی الگوی متقاطع از دو مدل فرعی تشکیل شده است: سطح ۱ (سطح خانوار) یا درون سلول هر طبقه و سطح ۲ (نسل\*دوره) یا بین سلول طبقات. در مدل سطح خانوار یا مدل درون‌سلولی میزان متغیر تابع برای فرد  $i$  به واسطه واحدهای سطح ۲ یعنی  $j$  و  $k$  فرمول‌بندی شده‌اند.

$$Y_{ijk} = \pi_{0jk} + \pi_{1jk} a_{1ijk} + \pi_{2jk} a_{2ijk} + \dots + \pi_{pjk} a_{pijk} + e_{ijk}$$

$$= \pi_{0jk} + \sum_{p=1}^p \pi_{pjk} a_{pijk} + e_{ijk}$$

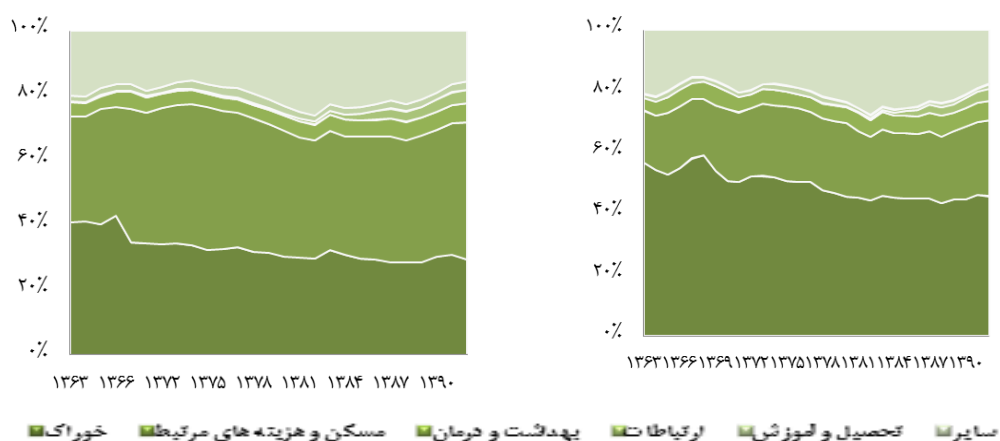
$\pi_{pjk}$  ضرایب رگرسیونی سطح خانوار،  $a_{pijk}$  متغیرهای پیش‌بین  $p$  در فرد  $i$  در سلول  $k$   $j$  (دوره\*نسل)،  $e_{ijk}$  تأثیرات تصادفی سطح خانوار،  $\sigma^2$  واریانس  $e_{ijk}$  یا واریانس سطح خانوار است.

در مدل‌سازی چندسطحی این پژوهش به دلیل پیچیده‌شدن مدل، آثار تعاملی متغیرهای دوره و نسل و همچنین تأثیرات تصادفی متغیرهای دوره و نسل که بر حسب دوره و نسل تغییر می‌کنند، مطمح نظر نبوده است؛ بنابراین، مدل نهایی سطح دوم با در نظر گرفتن موارد مذکور به ترتیب زیر خواهد بود:

$$= \theta_p + (\beta_{pq}) X_{qk} + \sum_{r=1}^{R_p} (\gamma_{pr}) W_{rj} + b_{p0j} + c_{p0k}$$

### یافته‌های تحقیق

در این بخش نتایج تحلیل‌های توصیفی روند تغییرات متغیرهای مستقل و متوسط سهم هزینه‌های مصرفی و تحلیل‌های دو متغیره و چند متغیره تأثیر تغییرات سن سرپرست خانوار، خاستگاه سکونتی، ترتیبات زندگی و وضعیت رفاهی خانوار بر تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی برای دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ بیان می‌شود. شکل ۲، روند تغییرات سهم هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری و روستایی را نشان می‌دهد. تغییرات نزولی سهم هزینه‌های خوراک در طول دوره مورد مطالعه (۱۳۶۳-۱۳۹۲) از مهم‌ترین وجوه مشترک تغییرات الگوی مصرف است. با اتخاذ رویکرد مقطعی می‌توان دریافت که سهم هزینه‌های خوراک، بهداشت و درمان خانوار روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری در سطح بالاتری قرار دارد. در مقابل، سهم هزینه‌های مرتبط با مسکن خانوار در خانوار شهری در سطح بالاتری قرار دارد. آنچه در روند تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی به چشم می‌خورد، افزایش شایان ملاحظه سهم هزینه‌های ارتباطات خانوار است. اگرچه خانوارهای شهری از این حیث نسبت به خانوارهای روستایی از برتری برخوردارند، ولی روند افزایشی سهم این مقوله مصرفی در خانوارهای شهری و روستایی از همگرایی و توسعه نسبتاً متوازن آن حکایت دارد.

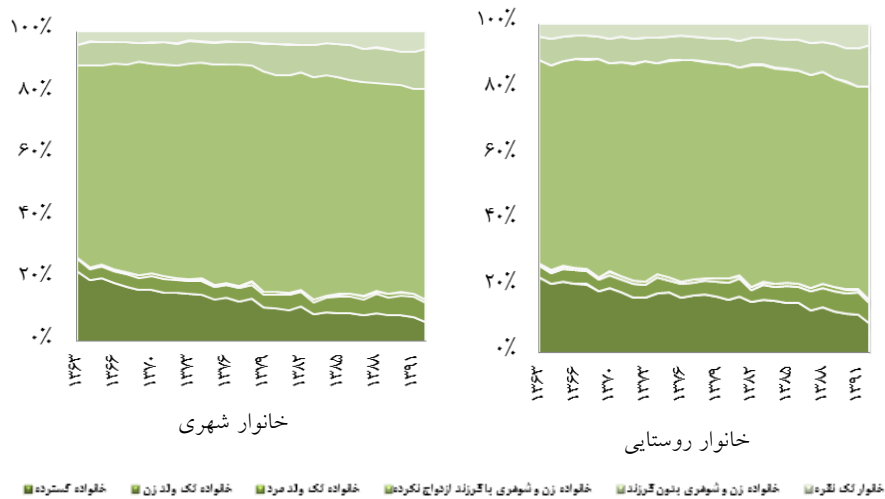


شکل ۲. روند تغییرات الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲

هزینه‌های مصرفی حمل و نقل، پوشاک و کفش، خدمات فرهنگی، لوازم خانگی و خدمات متفرقه که به صورت انباشتی در قالب سایر هزینه‌ها طبقه‌بندی شده است. الگوی همگرایی تغییرات شهری و روستایی هزینه‌های مذکور نیز شایان توجه است. به عبارتی، سهم این هزینه‌ها پس از طی روندی افزایشی در اواسط دوره مورد مطالعه، در سال‌های پایانی روندی کاهشی را در پیش گرفته است. افزایش سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش در اواسط دوره مورد مطالعه و کاهش آن در سال‌های پایانی دوره می‌تواند شواهدی بر ادعای افزایش جمعیت تحت تعلیم و آموزش باشد.

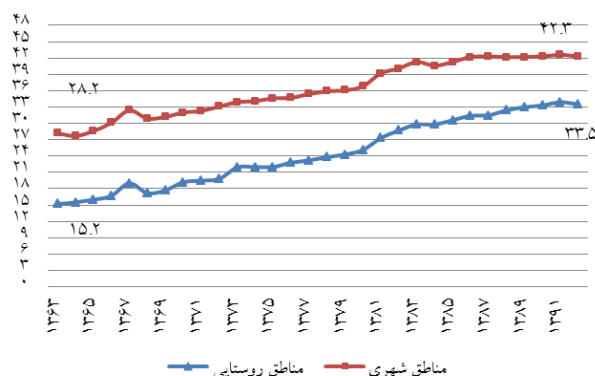
همچنان که در بخش ادبیات نظری و پژوهشی نیز اشاره شد، در کنار بسیاری از الگوهای نظری که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی تغییرات مصرف تأکید دارند، تغییرات ساختار جمعیت و تغییرات اجتماعی از جمله حوزه‌های مطالعاتی است که بی‌شک در تغییرات الگوی مصرف مؤثر است. تغییرات ترتیبات زندگی خانوار/ خانواده طی دوره‌های اخیر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در کنکاش تغییرات ساختار خانواده به آن اشاره می‌شود. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران که مقارن با دوره مطالعه این پژوهش است، تداوم برتری سهم خانوار/ خانواده‌های زن و شوهری با فرزند ازدواج‌نکرده در مناطق روستایی در مقایسه با سایر الگوهای ترتیبات زندگی به چشم می‌خورد. بدون شک کاهش سهم خانواده‌های گسترده (از ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۲) و جایگزینی آن با خانوارهای تک‌نفره (از ۴ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۷ درصد در سال ۱۳۹۲) و زن و شوهری بدون فرزند (از ۷ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۲)، یکی از نشانه‌هایی است که بر ظهور ساختار سنی سالمند در مناطق روستایی دلالت دارد. شکل ۲، نمای شماتیک این تغییرات را به خوبی به تصویر می‌کشد.





شکل ۳. روند تغییرات ترتیبات زندگی خانوار مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳

روند تغییرات وضعیت رفاهی خانوارهای شهری و روستایی طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳، همچنان که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، از روند رو به بهبود این شاخص در کشور حکایت دارد. برتری سطح رفاه خانوارهای شهری نسبت به خانوارهای روستایی در کل دوره مطالعه به چشم می‌خورد. با وجود این، روند تغییرات این شاخص از شکاف رفاهی خانوارهای روستایی و شهری در ابتدای دوره و همگرایی بیش از پیش مناطق شهری و روستایی از نظر وضعیت رفاهی حکایت دارد. این امر، نشان‌دهنده توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی و امکان بهره‌مندی هرچه بیشتر روستاییان از امکانات رفاهی خانوار است.



شکل ۴. روند تغییرات شاخص وضعیت رفاه خانوار به تفکیک مناطق شهری-روستایی طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳

جدول ۱، روند تغییرات الگوی مصرف خانوار را به تفکیک ترتیبات زندگی خانوار در مناطق روستایی نشان می‌دهد. در حالت کلی می‌توان گفت الگوی مصرف خانوار و روند تغییرات آن به تفکیک ترتیبات زندگی خانوار از تفاوت معناداری برخوردار است. در خانوارهای تک‌نفره روستایی و شهری، هزینه‌های خوراک (۴۲ و ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۲) و مسکن (۵۹ و ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۲) مهم‌ترین مقوله‌های مصرفی به شمار می‌روند. این مهم همواره در دوره مطالعه غالب بوده است. این در حالی است که در خانوارهای گسترده، سهم هزینه‌های مسکن در مقایسه با سایر خانوارهای مورد مطالعه کمتر است. روند افزایش شایان توجه سهم هزینه‌های بهداشت و درمان (افزایش از ۴/۸ و ۵/۲۴ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۸/۸ و ۶/۴۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ترتیب در مناطق روستایی و شهری) از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی مصرفی خانوارهای تک‌نفره است. روند افزایشی سهم هزینه‌های بهداشت و درمان، مسکن و ارتباطات و روند کاهشی هزینه‌های خوراک در خانوارهای زن‌شوهری بدون فرزند از مهم‌ترین نتایج الگوی مصرف به تفکیک ترتیبات زندگی خانوار است.

جدول ۱. روند تغییرات سهم هزینه‌های مصرفی خانوارهای مناطق شهری و روستایی به تفکیک ترتیبات زندگی

خانوار طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲

خوراک		درمان		مسکن		تحصیل و آموزش		ارتباطات		سایر	
شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
خانوار تک‌نفره											
۳۰.۶	۴۵.۵	۵.۲۴	۴.۸۲	۴۹.۹	۳۴	۰.۵	۰.۱۴	۰.۱۶	۰.۰۱	۱۳.۵	۱۵.۶
۲۴.۹	۴۰.۳	۴.۶	۵.۶۳	۶۲.۲	۴۳.۵	۰.۶۶	۰.۰۱	۰.۱۹	۰.۰۲	۷.۵	۱۰.۶
۲۶.۵	۴۴.۳	۶.۵۶	۸.۱۵	۵۵.۵	۳۵.۱	۰.۶۵	۰.۰۹	۰.۹۳	۰.۶۷	۹.۸	۱۱.۷
۲۴.۲	۴۲.۸	۶.۴۵	۸.۸۶	۵۹.۷	۳۸.۴	۰.۷	۰.۰۵	۲.۵۳	۲.۰۴	۶.۵	۷.۸
خانواده زن‌شوهری بدون فرزند											
۳۷.۴	۵۲.۹	۴.۵۹	۴.۹۱	۳۹.۵	۲۳.۹	۰.۵۴	۰.۰۷	۰.۱۷	۰.۰۲	۱۷.۸	۱۸.۲
۳۰.۶	۵۱.۴	۴.۳۴	۶.۸۴	۵۱.۵	۲۹.۴	۰.۳۷	۰.۰۳	۰.۳۱	۰.۰۴	۱۳.۲	۱۲.۳
۳۰.۳	۴۵.۶	۵.۹۸	۸.۵۷	۴۳.۵	۲۶	۰.۶۸	۰.۰۸	۰.۹۴	۰.۶۴	۱۸.۶	۱۹.۱
۲۷.۳	۴۵.۳	۷.۳۶	۸.۳	۴۷.۲	۲۹	۰.۷	۰.۱۷	۳.۸۷	۳.۶۲	۱۳.۶	۱۳.۷
خانواده زن‌شوهری با فرزند ازدواج‌نکرده											
۴۱.۲	۵۶.۱	۴.۵۲	۴.۶۵	۳۱.۹	۱۶.۴	۱.۸	۱.۲۳	۰.۱۵	۰.۰۲	۲۰.۴	۲۱.۴
۳۴.۶	۵۲.۵	۴.۶۸	۴.۷۸	۴۱.۸	۲۲.۹	۲.۲۸	۱.۷۹	۰.۲۶	۰.۰۷	۱۶.۴	۱۷.۹
۳۲.۶	۴۵.۴	۴.۹۵	۵.۵۱	۳۴.۸	۲۰.۸	۲.۴	۱.۲۶	۱.۰۵	۰.۷۴	۲۴.۲	۲۶.۳
۲۹.۷	۴۵.۶	۶.۴۵	۵.۴۴	۴۰.۷	۲۳.۴	۲.۹۶	۱.۶۹	۴.۳۶	۴.۴۹	۱۶.۸	۱۹.۳
خانواده تک‌والد											
۳۷.۶	۵۲.۷	۴.۹۴	۴	۳۸.۸	۲۲.۸	۱.۸۶	۱.۶۴	۰.۱۸	۰.۰۳	۱۶.۶	۱۸.۸
۳۱.۳	۴۸.۲	۴.۵۱	۴.۹۴	۴۷.۶	۲۵.۸	۲.۳۶	۲.۳۶	۰.۲۶	۰.۱۲	۱۴	۱۸.۶
۳۰.۷	۴۵.۱	۵.۵۴	۶.۷۵	۴۲.۴	۲۴.۷	۲.۴	۱.۰۶	۱.۱	۰.۹۱	۱۸	۲۱.۵
۲۷.۴	۴۶.۵	۵.۶۷	۵.۷۴	۴۷	۲۶.۲	۲.۶۵	۱.۸۸	۴.۱	۴.۲۶	۱۳.۲	۱۵.۵
خانواده گسترده											
۴۰.۲	۵۶	۴.۴۸	۴.۵۹	۳۱.۷	۱۵.۱	۱.۶۱	۱.۰۹	۰.۱۹	۰.۰۲	۲۱.۵	۲۳.۲
۳۴.۸	۵۲.۴	۴.۷۶	۵.۳۱	۴۱.۷	۲۰.۶	۱.۸۷	۱.۲۵	۰.۲۹	۰.۰۷	۱۶.۶	۲۰.۴
۳۳.۴	۴۶.۸	۵.۷۶	۵.۹۴	۳۶.۱	۱۸.۸	۱.۸۱	۰.۸۶	۱.۰۸	۰.۷۱	۲۱.۹	۲۶.۹
۳۱.۸	۴۶.۹	۶.۵۷	۷.۲۱	۳۹.۹	۲۰.۳	۲.۵۵	۱.۶	۴.۲۸	۴.۵۸	۱۴.۸	۱۹.۴

در خانوارهای زن و شوهری با فرزند ازدواج نکرده، هزینه‌های خوراک اگرچه غالب‌ترین مقوله مصرفی خانوار است اما در طول سال‌های پایانی مطالعه، روند کاهشی داشته است. در مقابل سهم هزینه‌های حمل و نقل، خدمات فرهنگی، لوازم خانگی، پوشاک و کفش که در قالب مقوله سایر طبقه‌بندی شده، افزایش یافته است. الگوی مصرف خانواده‌های زن و شوهری با فرزند ازدواج نکرده شباهت زیادی با خانواده‌های تک‌والد دارد. کاهش سهم هزینه‌های خوراک (از ۵۶ به ۴۷ درصد و ۴۰ درصد به ۳۲ درصد به ترتیب در مناطق روستایی و شهری) و افزایش سهم هزینه‌های ارتباطات (از ۰/۰۲ به ۴/۶ درصد و ۰/۲ به ۴/۲۸ درصد به ترتیب در مناطق روستایی و شهری) از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی مصرف خانواده‌های گسترده است.

الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک سن سرپرست خانوار (جدول ۲) نشان می‌دهد که در بین خانوارهای جوان سرپرست در طول زمان از سهم هزینه‌های خوراک (از ۵۰ به ۴۵ درصد و ۴۳ به ۲۹ درصد به ترتیب در مناطق روستایی و شهری) و سایر هزینه‌ها (حمل و نقل، خدمات فرهنگی، لوازم خانگی، پوشاک و کفش) کاسته شده و بر سهم هزینه‌های مسکن و ارتباطات افزوده شده است. در خانوارهای میانسال سرپرست نیز الگوی مصرف هزینه‌ها با خانواده‌های جوان سرپرست تقریباً یکنواخت است با این تفاوت که در خانوارهای میانسال سرپرست علاوه بر هزینه‌های مسکن و ارتباطات، بر سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش نیز افزوده می‌شود (به دلیل وجود فرزندان در سن تحصیل خانوارها).

جدول ۲. روند تغییرات سهم هزینه‌های مصرفی خانوار شهری و روستایی به تفکیک سن سرپرست خانوار طی

دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳

سایر	ارتباطات		تحصیل و آموزش		مسکن		درمان		خوراک		شهری	روستایی
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی		
خانوار جوان سرپرست												
۲۵.۸	۲۳.۴	۰.۰۴	۰.۱	۰.۶۱	۰.۹۳	۱۸.۶	۲۸.۲	۵.۱	۴.۵	۴۹.۹	۴۲.۸	۱۳۶۳
۱۹.۵	۱۸.۴	۰.۰۶	۰.۱۳	۰.۷۱	۱.۲۹	۲۳.۵	۳۸.۴	۵.۵	۴.۴	۵۰.۷	۳۷.۲	۱۳۷۳
۲۷.۱	۲۵	۰.۵۲	۰.۹۵	۰.۳۴	۱.۵۹	۲۲.۳	۳۳.۸	۵.۷	۵.۱	۴۴.۱	۳۳.۶	۱۳۸۳
۱۹.۹	۱۷.۸	۴.۵۳	۴.۷۳	۰.۶	۱.۷۵	۲۵.۲	۴۱.۳	۵.۳	۵.۴	۴۴.۵	۲۹	۱۳۹۲
خانوار میانسال سرپرست												
۲۱	۲۰.۲	۰.۰۲	۰.۱۷	۱.۴۵	۱.۸۹	۱۶.۶	۳۳.۲	۴.۵	۴.۶	۵۶.۴	۴۰	۱۳۶۳
۱۸.۲	۱۶.۲	۰.۰۷	۰.۲۸	۱.۸۵	۲.۳۲	۲۲.۹	۴۲.۷	۴.۸	۴.۶	۵۲.۱	۳۳.۹	۱۳۷۳
۲۶.۲	۲۳.۸	۰.۷۸	۱.۰۹	۱.۲۷	۲.۴۶	۲۰.۸	۳۵.۷	۵.۶	۴.۹	۴۵.۳	۳۲.۱	۱۳۸۳
۱۸.۸	۱۶.۴	۴.۴۵	۴.۳۴	۱.۷	۲.۸۵	۲۳.۹	۴۱.۴	۵.۷	۵.۵	۴۵.۴	۲۹.۵	۱۳۹۲
خانوار سالمند سرپرست												
۱۶	۱۳.۱	۰.۰۱	۰.۲	۰.۴۹	۰.۷۲	۲۳.۵	۴۴.۶	۴.۶	۵.۳	۵۵.۵	۳۶.۱	۱۳۶۳
۱۳.۶	۱۰.۹	۰.۰۴	۰.۳۱	۰.۵۸	۱.۰۲	۲۹.۵	۵۲.۴	۵.۸	۵	۵۰.۵	۳۰.۴	۱۳۷۳
۱۸.۸	۱۳.۱	۰.۷	۰.۸۹	۰.۶۱	۰.۸۱	۲۴.۷	۴۷.۷	۷.۶	۷	۴۷.۵	۳۰.۵	۱۳۸۳
۱۱.۸	۹.۱	۳.۱۹	۲.۹۷	۰.۶۸	۱.۱۶	۲۹.۲	۵۲.۳	۸.۶	۷.۸	۴۶.۶	۲۶.۷	۱۳۹۲

در خانوارهای سالمندسرپرست با کاهش هزینه‌های خوراک (از ۵۵ به ۴۶ درصد و ۳۶ به ۲۷ درصد به ترتیب در مناطق روستایی و شهری) و سایر هزینه‌ها (حمل و نقل، خدمات فرهنگی، لوازم خانگی، پوشاک و کفش) بر سهم هزینه‌های بهداشت و درمان و مسکن افزوده می‌شود. در مجموع الگوی مصرف خانوارهای روستایی به تفکیک سن سرپرست خانوار نشان می‌دهد که با تغییرات ساختار سنی سالمند، ترجیحات مصرفی خانوار تغییرات شایان ملاحظه‌ای را به خود می‌گیرد. به طوری که سهم هزینه‌های بهداشت و درمان در طول دوره مطالعه در مناطق روستایی و شهری به دو برابر افزایش یافته است.

وضعیت رفاهی خانوار یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که در الگوی مصرف خانوار روستایی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. جدول ۳، تغییرات الگوی مصرف خانوار شهری و روستایی را در قالب سه گروه خانوار با وضعیت رفاهی متفاوت نشان می‌دهد. در خانوارهای که از وضعیت رفاهی پایین‌تری برخوردارند، سهم هزینه‌های مسکن و خوراک مهم‌ترین مقوله‌های مصرفی به شمار می‌رود. افزون بر این، در این خانوارها در طول دوره مطالعه از هزینه‌های خوراک کاسته و بر سهم هزینه‌های مصرفی مسکن و ارتباطات افزوده شده است.

جدول ۳. روند تغییرات سهم هزینه‌های مصرفی به تفکیک وضعیت رفاهی خانوار

خوراک	درمان	مسکن	تحصیل و آموزش	ارتباطات	سایر
وضعیت رفاهی پایین					
۱۳۶۳	۵۱٫۶	۴٫۵۱	۲۵٫۳	۱٫۰۵	۰٫۰۳
۱۳۷۳	۴۶٫۶	۵٫۱۷	۳۲٫۹	۱٫۳۱	۰٫۰۵
۱۳۸۳	۴۱٫۴	۶٫۶۱	۳۲	۱٫۰۴	۰٫۵۸
۱۳۹۲	۳۷٫۶	۶٫۰۵	۳۹	۱٫۳۴	۳٫۵۳
وضعیت رفاهی متوسط					
۱۳۶۳	۴۸	۴٫۵۶	۲۵٫۵	۱٫۴۶	۰٫۰۸
۱۳۷۳	۴۱٫۳	۴٫۸۵	۳۵٫۵	۱٫۸۳	۰٫۱۸
۱۳۸۳	۳۷٫۱	۵٫۳۴	۳۲٫۲	۱٫۵۹	۰٫۹۳
۱۳۹۲	۳۳٫۴	۶	۳۸٫۵	۲٫۰۲	۴٫۲۶
وضعیت رفاهی بالا					
۱۳۶۳	۳۹٫۴	۴٫۹۴	۲۹	۱٫۸	۰٫۲۲
۱۳۷۳	۳۳٫۶	۴٫۳۲	۳۹٫۸	۲٫۴	۰٫۳۷
۱۳۸۳	۳۱٫۵	۴٫۶	۳۰٫۱	۲٫۸۳	۱٫۳۳
۱۳۹۲	۲۸٫۹	۵٫۷	۳۷٫۳	۳٫۴۷	۴٫۶۸

در بین خانوارهای با وضعیت رفاهی بالا، کاهش چشمگیر سهم هزینه‌های خوراک با افزایش سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش، ارتباطات توأم بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره در قالب مدل چندسطحی در جدول ۱ منعکس است. تأثیرات تصادفی برآوردشده در تبیین الگوی هزینه‌های مصرفی خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که متوسط هزینه‌های خوراک، بهداشت و درمان، مسکن و هزینه‌های مرتبط با آن، تحصیل و آموزش و ارتباطات خانوارهای شهری و روستایی در دوره ۱۳۹۲-۱۳۶۳ تفاوت معناداری دارد. مقدار ضریب کوواریانس متغیر دوره در سهم هزینه‌های مصرفی مسکن (۸/۹۶)، خوراک (۷)، بهداشت و درمان (۰/۲۶)، ارتباطات (۱/۶) و تحصیل و آموزش (۰/۱) از تأثیر معنادار دوره‌های مورد بررسی در سهم هزینه‌های مصرفی خانوار شهری و روستایی حکایت دارد. بیشترین تأثیر متغیر دوره به ترتیب مرتبط با هزینه‌های مصرفی مسکن و خوراک است. مقدار ضریب کوواریانس متغیر نسل نیز از تفاوت نسلی الگوهای مصرف خانوارهای روستایی حکایت دارد. تأثیر متغیر نسل در هزینه‌های مصرفی خانوار شهری و روستایی به ترتیب به هزینه‌های بهداشت و درمان (۲۲/۳)، خوراک (۴/۷)، مسکن و هزینه‌های مرتبط (۳/۰۸)، تحصیل و آموزش (۰/۴۸) و ارتباطات (۰/۱) اختصاص دارد.

نقش متغیر ترتیبات زندگی خانوار در سهم هزینه‌های مصرفی خوراک نشان می‌دهد که خانوارهای تک‌نفره (۱۱/۶-)، خانواده زن‌وشوهری بدون فرزند (۴/۵۲-) و تک‌والد (۴/۳-) در مقایسه با خانواده گسترده به ترتیب در سهم هزینه‌های مصرفی خوراک تأثیر معنادار و معکوسی دارد. سن سرپرست خانوار با ضریب معنادار و معکوس، در سهم هزینه‌های خوراک تأثیر کاهشی دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش سن سرپرست خانوار زمینه کاهش سهم هزینه‌های خوراک خانوار فراهم می‌شود. مقدار ضریب تأثیر متغیر وضعیت رفاهی خانوار در سهم هزینه‌های خوراک (۰/۶-) حکایت از این دارد که با افزایش وضعیت رفاهی خانوار سهم هزینه‌های خوراک خانوار به عنوان مهم‌ترین کالای اساسی خانوار کاهش می‌یابد. خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی تأثیر معکوس و کاهنده در سهم هزینه‌های خوراک خانوار داشته است. سهم هزینه‌های بهداشت و درمان سن سرپرست خانوار نقش مثبت و افزایشی در سهم هزینه‌های بهداشت و درمان دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش سن سرپرست خانوار بر سهم هزینه‌های بهداشت و درمان افزوده می‌شود. وضعیت رفاهی خانوار نیز با ضریب ۰/۰۴- بر سهم بهداشت و درمان نقش معکوس دارد؛ به عبارت دیگر، با بهبودی

وضعیت رفاهی خانوار از سهم هزینه‌های بهداشت و درمان کاسته می‌شود. بررسی نقش ترتیبات زندگی خانوار نشان می‌دهد که در سهم هزینه‌های بهداشت و درمان، خانوارهای تک‌نفره و زن‌شوهری با فرزند ازدواج‌نکرده تأثیر مستقیم و افزایشی و خانواده‌های تک‌والد و زن‌شوهری و با فرزند ازدواج‌نکرده در مقایسه با خانواده گسترده، نقش کاهشی دارند. خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی در سهم هزینه‌های بهداشت و درمان تأثیر افزایشی دارند.

جدول ۱. برآوردهای مدل چندسطحی در بررسی نقش متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در تبیین تغییرات الگوی مصرف خانوار

تأثیرات تصادفی	خوراک		بهداشت و درمان		مسکن و هزینه‌های مرتبط		تحصیل و آموزش		ارتباطات	
	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار	خطای معیار
نسل	۴,۷ <sup>***</sup>	۱,۹	۲۲,۲۵ <sup>*</sup>	۱۰,۲	۳,۰۸ <sup>***</sup>	۱,۵	۰,۴۸ <sup>***</sup>	۰,۲۴	۰,۱ <sup>***</sup>	۰,۰۵
دوره	۷ <sup>*</sup>	۲,۴	۰,۲۸ <sup>*</sup>	۰,۰۷	۸,۹۶ <sup>*</sup>	۲,۴۴	۰,۰۱ <sup>*</sup>	۰,۰۳	۱,۶ <sup>*</sup>	۰,۴۲
باقیمانده	۱۱۶۸۸۵ <sup>*</sup>	۲۰۶	۵۲۶۱۴ <sup>*</sup>	۹۲,۸	۱۳۷۲۹۷ <sup>*</sup>	۲۴۲	۷۲۱۴ <sup>*</sup>	۱۲,۷	۱۸۹۱ <sup>*</sup>	۳,۳
تأثیرات ثابت										
عرض از مبدأ	۶۴,۷ <sup>*</sup>	۰,۹	۴,۷۶ <sup>*</sup>	۰,۳۱	۱۱,۵۸ <sup>*</sup>	۰,۸۳	۰,۸ <sup>*</sup>	۰,۲۴	۰,۶۶ <sup>***</sup>	۰,۲۶
خاستگاه سکونتی شهری	-۸,۶۶ <sup>*</sup>	۰,۰۴۶	۰,۰۶ <sup>*</sup>	۰,۰۳	۱۴,۸۷ <sup>*</sup>	۰,۰۵	۰,۲۳ <sup>*</sup>	۰,۰۱	-۰,۱۲ <sup>*</sup>	۰,۰۰۵
روستایی					مرجع					
سن سرپرست خانوار	-۰,۰۰۱ <sup>*</sup>	۰	۰,۰۰۰۸ <sup>*</sup>	۰	۰,۰۰۲ <sup>*</sup>	۰	-۰,۰۰۰۳ <sup>*</sup>	۰	-۰,۰۰۰۱ <sup>*</sup>	۰
وضعیت رفاهی خانوار	-۰,۰۶ <sup>*</sup>	۰,۰۰۲	-۰,۰۰۴ <sup>*</sup>	۰,۰۰۱	۰,۰۱۷ <sup>*</sup>	۰,۰۰۲	۰,۰۰۵ <sup>*</sup>	۰	۰,۰۳ <sup>*</sup>	۰
ترتیبات زندگی خانوار										
خانواده تک‌والد	-۴,۵۲ <sup>*</sup>	۰,۰۹	-۰,۰۶ <sup>*</sup>	۰,۰۶	۷,۵ <sup>*</sup>	۰,۰۱	۰,۲۹ <sup>*</sup>	۰,۰۲	۰,۰۸ <sup>*</sup>	۰,۰۰۱
خانوار تک‌نفره	-۱۱,۶ <sup>*</sup>	۰,۰۱	۰,۰۵ <sup>*</sup>	۰,۰۷	۱,۵ <sup>*</sup>	۰,۰۱۱	-۰,۸۹ <sup>*</sup>	۰,۰۲	-۰,۲۲ <sup>*</sup>	۰,۰۰۱
خانواده زن و شوهر بدون فرزند	-۴,۳ <sup>*</sup>	۰,۰۸	۰,۰۶ <sup>*</sup>	۰,۰۵	۷,۱ <sup>*</sup>	۰,۰۰۸	-۱,۲۶ <sup>*</sup>	۰,۰۲	-۰,۲۱ <sup>*</sup>	۰,۰۰۱
خانواده زن و شوهری با فرزند ازدواج‌نکرده	۰,۰۹ <sup>ns</sup>	۰,۰۵	-۰,۳۶ <sup>*</sup>	۰,۰۳	۱,۱ <sup>*</sup>	۰,۰۰۵	۰,۲۱ <sup>*</sup>	۰,۰۱	-۰,۰۷ <sup>*</sup>	۰,۰۰۶
خانواده گسترده					مرجع					

\* معناداری در سطح ۱ درصد خطا \*\* معناداری در سطح ۵ درصد خطا

نتایج نشان می‌دهد وضعیت رفاهی خانوار و سن سرپرست خانوار در افزایش سهم هزینه‌های مسکن خانوار تأثیر مثبتی دارد. به عبارتی با افزایش سن سرپرست خانوار و افزایش سطح رفاه خانوار بر سهم هزینه‌های مسکن خانوار افزوده می‌شود. در انواع مختلف ترتیبات

زندگی خانوار نقش این متغیر مستقیم و مثبت بوده است ولی تفاوت مقدار ضرایب تأثیر، از اهمیت این تأثیرگذاری حکایت دارد. خانواده‌های تک‌والد، زن‌وشوهری بدون فرزند، خانوار تک‌نفره و خانواده زن‌وشوهری با فرزند ازدواج‌نکرده به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر مثبت را داشته‌اند. بالابودن سهم هزینه‌های مسکن در خانوارهای شهری سبب شده است تا تأثیر خاستگاه سکونتی در سهم هزینه‌های مسکن مثبت و در سطح بالایی (۱۴/۸۷) برآورد شود.

در هزینه‌های تحصیل و آموزش و ارتباطات، جهت ضریب تأثیر متغیر سن سرپرست خانوار از تأثیر معکوس این متغیر حکایت دارد. تأثیر معکوس خانوار تک‌نفره و خانواده زن و شوهری بدون فرزند و در مقابل تأثیر مستقیم خانواده‌های تک‌والد و زن و شوهری با فرزند ازدواج‌نکرده در سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش در مقایسه با خانواده گسترده نشان می‌دهد که وجود جمعیت لازم‌التعلیم و در حال تحصیل در خانواده سبب می‌شود تا بخشی از سبد مصرفی خانوار به هزینه‌های تحصیل و آموزش تخصیص یابد. تأثیر مثبت مناطق شهری در سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش از بالابودن سهم این هزینه‌ها در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی حکایت دارد. مقایسه مقدار آکائیکه مدل شبه‌پانل در مدل صفر (بدون ورود متغیر مستقل) و مدل نهایی (با ورود متغیرهای مستقل) در مقوله‌های مصرفی مورد مطالعه از کاهش این مقدار در مدل نهایی و برآزش مطلوب مدل نهایی شبه‌پانل حکایت دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

کشور ایران در سال‌های اخیر تغییرات جمعیتی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است که این تغییرات موجب بروز پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری شده و زمینه را برای طرح موضوعات میان‌رشته‌ای فراهم ساخته است. همزمان با تأثیرات متقابلی که بین مؤلفه‌های پویایی جمعیت (باروری و مرگ‌ومیر و مهاجرت) و عوامل اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، مهم‌ترین تأثیر ساختار جمعیت بر موضوعات اقتصادی و اجتماعی بر تغییرات ساختار سنی در سطح کلان و تغییرات جمعیتی خانوار در سطح خرد مبتنی است. یکی از مهم‌ترین موضوعات میان‌رشته‌ای اقتصاد و جمعیت که از تغییرات جمعیت تأثیرپذیر بوده، تغییرات الگوی مصرف است.

همزمان با تغییرات جمعیتی که در سطح ملی در سه دهه اخیر رخ داده است، کنکاشی در ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی مناطق شهری و روستایی از تغییرات اساسی در ساختار

اجتماعی و جمعیتی این مناطق حکایت دارد. تغییرات ساختار سنی عمدتاً به سبب تغییرات شگرف باروری و روندهای مهاجرت‌های روستا-شهری، تغییر در ترتیبات زندگی خانوار، کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید زندگی نشان از این واقعیت دارد که مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری، تغییرات ساختاری جمعیتی سریع‌تری را تجربه کرده‌اند. این امر سبب شده است تا تأثیرپذیری متغیرهای اقتصادی و اجتماعی از تغییرات جمعیتی حتی بیشتر از مناطق شهری احساس شود. توأم با این تغییرات، تغییرات اساسی در الگوی مصرف خانوارهای روستایی و شهری فرض ارتباط تنگاتنگ میان الگوی مصرف خانوار و تغییرات جمعیتی را بیش از پیش تقویت می‌کند. بالاخص اینکه این مهم، در تحقیقات مختلف به اثبات رسیده است. مطالعه روابط جمعیت و الگوی مصرف از آن حیث ضرورت دارد که با شناخت الگوهای مصرف به تفکیک گروه‌های اجتماعی و جمعیتی زمینه مدیریت جمعیتی مصرف و تخصیص بهینه منابع محدود را که یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی اقتصاد ایران به شمار می‌رود فراهم می‌سازد. از این رو این مقاله سعی بر این داشته است تا نقش تغییرات جمعیتی مناطق روستایی و شهری و خانوارهای روستایی و شهری را در قالب مدلی طولی و زمانمند بررسی کند. به منظور نیل به این هدف از داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار طی دوره ۹۲-۱۳۶۳ استفاده و مدل شبه‌پانل در قالب مدل چندسطحی متقاطع به‌کاربرده شده است.

نتایج مدل چندسطحی نشان می‌دهد که متغیر نسل و دوره به عنوان متغیرهای سطح دوم، بر متوسط سهم هزینه‌های مصرفی خانوار در همه مقوله‌های مصرفی تأثیر معناداری دارند. مقدار ضریب کوواریانس دوره نشان می‌دهد که تأثیر دوره به ترتیب در سهم هزینه‌های مسکن، خوراک، بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و ارتباطات خانوار بیشتر است. همچنین مقدار ضریب کوواریانس متغیر نسل نشان می‌دهد که تأثیر این متغیر در سهم هزینه‌های خوراک، مسکن و ارتباطات در مقایسه با سایر هزینه‌های بیشتر بوده است. نسل جدید (متولدین مابعد سال ۱۳۵۵) بر هزینه‌های خوراک، تحصیل و آموزش تأثیر کاهشی و بر هزینه‌های ارتباطات و مسکن و هزینه‌های مرتبط تأثیر افزایشی دارد؛ به عبارت دیگر، این نسل در مقایسه با سایر نسل‌ها هزینه‌های خوراک و تحصیل کمتر و هزینه‌های ارتباطات و مسکن بالاتری دارد. در مقابل، تعلق به نسل سالمند بر هزینه‌های خوراک و بهداشت و درمان تأثیر افزایشی دارد. این به این معناست که اگر چه زمینه‌های بر خورداری از الگوی خاص مصرف برای همه نسل فراهم بوده است ولی به دلیل تجربیات مشترک نسلی در برخی نسل‌ها ترجیح



مصرفی در مقایسه با نسل‌های دیگر متفاوت بوده است. تأثیر معکوس خانوارهای تک‌نفره و خانواده‌های زن‌وشوهری بدون فرزند در مقایسه با خانواده‌های گسترده در سهم هزینه‌های خوراک، تحصیل و آموزش و ارتباطات و در مقابل تأثیر معکوس آن در سهم هزینه‌های مسکن و بهداشت و درمان می‌تواند شاهدی بر ادعای تأثیر ترتیبات زندگی و تغییرات الگوی مصرف خانوار باشد که تا حدودی از ساختار سنی متأثر است؛ به عبارت دیگر، با تغییرات ترتیبات زندگی خانوار تغییراتی در الگوی مصرف خانوار شکل می‌پذیرد. هر چقدر به خانوارهای تک-نفره و زن‌وشوهری بدون فرزند افزوده می‌شود از سهم هزینه‌های خوراک، تحصیل و آموزش و ارتباطات خانوار کاسته شده و بر هزینه‌های بهداشت و درمان و مسکن با آن افزوده می‌شود. تأثیر منفی سن سرپرست خانوار در سهم هزینه‌های مصرفی خوراک، تحصیل و آموزش و ارتباطات و در مقابل تأثیر مثبت این متغیر در سهم هزینه‌های مسکن و بهداشت و درمان می‌تواند نشان‌دهنده این واقعیت باشد که هرچقدر الگوی سنی سرپرستان خانوارهای مناطق روستایی و شهری به الگوی سنی جوان تغییر کند، بر سهم هزینه‌های ارتباطات و تحصیل و آموزش افزوده می‌شود. این امر نشان از این واقعیت دارد که در بستر گذار سنی جمعیت به جوانی و سالمندی، الگوی قالب مصرف در کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

خاستگاه سکونتی مهم‌ترین متغیری است که بر میزان تخصیص سبد هزینه‌ای خانوار به مقوله‌های متفاوت مصرفی تأثیر قابل توجهی دارد. نتایج نشان داد که خوراک مهم‌ترین کالای ضروری خانوار است که تعلق به خاستگاه سکونتی روستایی تأثیر مثبتی در افزایش آن دارد؛ به عبارت دیگر، در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بخش قابل توجهی از سبد هزینه‌ای خانوار به خوراک اختصاص دارد. این در حالی است که در مناطق شهری، هزینه‌های مسکن سهم غالب سبد هزینه‌ای را داراست. تعلق به خاستگاه سکونتی شهری زمینه‌ساز افزایش سهم هزینه‌های تحصیل و آموزش، مسکن و بهداشت و درمان است.

مودیگیلانی در بررسی چرخه زندگی مصرف بیان کرد در چرخه زندگی، مصرف با روند افزایشی بطئی مواجه است. همچنین نشان داد که درآمد در چرخه زندگی در سنین فعالیت اقتصادی به اوج خود رسیده و بنابراین برآیند درآمد بالا در سنین فعالیت و کاهش درآمد در سنین کودکی و سالمندی و همچنین تحقق روند افزایش بطئی مصرف مقدار پس‌انداز فرد را مشخص خواهد کرد. با تعمیم نظریه مودیگیلانی در سطح کلان می‌توان گفت با استقرار فاز جوانی و میانسالی در بستر گذار ساختار سنی زمینه افزایش درآمد و کاهش

مصرف فراهم می‌شود. نتایج این تحقیق نشان داد که مصرف در چرخه زندگی در مقوله‌های مصرفی مورد مطالعه از الگوی متفاوتی برخوردار است و لزوماً روندی خطی ندارد. سهم هزینه‌های مصرفی ارتباطات و تحصیل و آموزش در سبد خانوار در دوره جوانی و میانسالی افزایش و سپس در دوره سالمندی کاهش می‌یابد. سهم هزینه‌های بهداشت و درمان در چرخه زندگی روند افزایشی خطی دارد.

نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی مصرف در بررسی زمینه‌های اجتماعی الگوی مصرف بر نقش تمایزات اجتماعی تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. در حقیقت سؤال اصلی جامعه‌شناسان در بررسی الگوی مصرف این بوده است که چگونه گروه‌های خاص به ویژه طبقات اجتماعی و اقتصادی از میان سایر چیزها انواع کالاهای مصرفی را به کار می‌گیرند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص کنند و خود را از دیگران متمایز سازند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین مفروضات مطروح در جامعه‌شناسی این بوده است که میزان و ترکیب مصرف در بین گروه‌های اجتماعی از الگوی متفاوتی تبعیت می‌کند. مفهوم نسل از متغیرهایی است که در ادبیات پژوهشی اجتماعی همواره به عنوان ویژگی مطرح می‌شود که باز نمودی از تجربیات مشترک اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نسلی است؛ بنابراین، افرادی که به یک نسل مولید همسان تعلق دارند از تجربیات مشترکی برخوردارند که می‌تواند زمینه‌ساز انجام کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد. در زمینه الگوی مصرف نیز فرض بر این است که تجارب نسلی مشترک می‌تواند در برخورداری از الگوی تقریباً همسان مصرفی مؤثر باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که افرادی که از سطح رفاه مشترکی برخوردارند، الگوی مصرفی نسبتاً همسانی دارند. تفاوت معنادار نسلی در سهم هزینه‌های مصرفی خوراک، مسکن، بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و ارتباطات در این پژوهش بر نقش وجود تأثیر تجربیات نسلی در الگوی مصرف صحنه گذاشته است.

نتایج این مقاله نشان داد که بخش شایان توجهی از تغییرات در الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی، متوجه تغییر ساختار سنی، ترتیبات زندگی خانوار و وضعیت رفاهی خانوار بوده است. از این رو، پیشنهادها زیر با هدف فراهم‌سازی زمینه‌های شناختی جهت انجام سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌شود:

- نتایج نشان داد که گذشته از تفاوت‌های مقطعی الگوی مصرف خانوار به تفکیک ترتیبات زندگی و تغییرات آن در طی دوره مورد مطالعه، زمینه تغییرات الگوی مصرف و

ترجیحات مصرفی فراهم شده است. خانوارهای تک نفره که عمدتاً خانوارهای سالمند- سرپرستاند، با کاهش قابل توجه در هزینه‌های خوراک و افزایش شایان توجه در سهم هزینه‌های مسکن و بهداشت و درمان مواجه بوده‌اند. این تغییرات با الگوی متفاوت در سایر انواع ترتیبات زندگی خانوار نیز مشاهده می‌شود؛ بنابراین، هر گونه سیاست‌گذاری در زمینه تخصیص منابع و اعمال اقدامات حمایتی در مناطق شهری و روستایی بایستی تغییرات ساختار ترتیبات زندگی را مطمح نظر قرار دهد.

- با توجه به نقش مهم سن و ساختار سنی در الگوی مصرف خانوار با تکیه بر نتایج این مقاله و با عنایت به گذار ساختار سنی به ساختار سنی سالخورده در کشور، با تکیه بر اطلاعات پیش‌بینی‌های جمعیتی انجام‌شده، لزوم توجه به ساختار سنی خانوار در برنامه‌ریزی و اعمال سیاست‌های مداخله‌ای اقتصادی و اجتماعی گوشزد می‌کند. نتایج نشان داد که با تغییر ساختار سنی خانوار به ساختار سالخورده، سهم هزینه‌های خوراک کاهش و در مقابل سهم هزینه‌های مسکن و همچنین بهداشت و درمان افزایش می‌یابد؛ بنابراین، سیاست‌های حمایتی که برای تخصیص منابع و کالاها در مناطق شهری و روستایی انجام می‌شود، بایستی بر شناخت الگوی مصرف به تفکیک ساختار سنی خانوار مبتنی باشد.

#### منابع

- برانسون، ویلیام (۱۳۸۳). *نظریه و سیاست‌های اقتصاد کلان*. ترجمه: عباس شاکری، تهران: نی.
- راغفر، حسین و میترا باباپور (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل رفتار بین نسلی هزینه مصرفی خانوارهای شهری با استفاده از داده‌های شبه‌تابلویی. *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*. دوره ۳، شماره ۱۰.
- رضائی قهرودی، زهرا (۱۳۹۰). *تحلیل الگوی مصرف در چرخه خانوار*. انتشارات پژوهشکده آمار ایران.
- صادقی، رسول (۱۳۹۳). *روند تغییرات جمعیت ایران: گذشته، حال و آینده*. پژوهشکده آمار، چاپ اول.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی بوردیو*. ترجمه: محمد مهدی لیبی، نشر افکار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). *اطلاعات حساب‌های ملی ایران*.

- Attfield CLF, Cannon E (2003). *The impact of age distribution variables on the long run consumption function*. Discussion paper 03/546, University of Bristol.
- Banks, J. Blundell, R. & Stanner, S. (1998, September). Is there a retirement-saving puzzle? *The American Economic Review*, 88 (4), 769–788.
- Bloom, D. Canning, D. Sevilla, J (2003). *“The Demographic Dividend: A New Perspective on the Economic Consequences of Population Change”*, RAND.

- Ebru C., and Melek A. (2012). A Microeconometric analysis of household consumption expenditure determinants for both rural and urban Areas in Turkey. *American International Journal of Contemporary Research*. 2, 27-34.
- Erlandsen, S & Nymoen, N (2008). "Consumption and Population Age Structure", Springer, *Journal of Population Economics*, Vol. 21, No. 3, pp. 505-520.
- Chatterjee, G., S. and Bhattacharya, N. (1969). "Rural-Urban Differentials in Consumer Prices in India", *Economic and Political Weekly*, (4)20, 850-853.
- Halvorsen, E. (2003). *A cohort analysis of household saving in Norway*. Discussion Paper No. 354.
- Jo. M. Martins & Farhat Yusuf & David A. Swanson (2012). *Consumer Demographics and Behavior: Markets are People*, Springer.
- Lefèbvre, M. (2006). *Population Ageing and Consumption Demand in Belgium*, Research Center on Public and Population Economics, Belgium.
- Marku, M & Salehi Esfanani, D (2010). "Cohort Analysis of Consumption and Earnings in Iran: 1984-2002". *Economic Research Forum*.
- Miniaci, R., Monfardini, C., & Weber, G. (2003). *Is there a retirement consumption puzzle in Italy? Mimeo*.
- Modigliani, F. (1986). *Life cycle, individual thrift, and the wealth of nations*. The American Economic Review, 76 (3), 297-313.
- Modigliani, F., & Brumberg, R. (1954). *Utility analysis and the consumption function: An interpretation of cross-section data*. In K. K. Kurihara (Ed.), *Post Keynesian economics* (pp. 390-397).
- Nefedov, S. A. (2003). *A Theory of Demographic Cycles and the Social Evolution of Ancient and Medieval Oriental Societies*. *Oriens* 3: 5-22.
- Nefedov, S. A. (2004). *A Model of Demographic Cycles in Traditional Societies: The Case of Ancient China*. *Social Evolution & History* 3(1): 69-80.
- Rentz, O & Reynolds, F (1991). Forecasting the Effects of an Aging Population on Product Consumption: An Age-Period-Cohort Framework, *Journal of Marketing Research*, Vol. 28.
- Rentz, O & Reynolds, F & Stout, R (1983). "Analyzing Changing Consumption Patterns with Cohort Analysis", *Journal of Marketing Research*, American Marketing Association, Vol. 20, No., pp. 12-20.
- Mason, A. (2003). Population Change and Economic Development: What have We Learnt from the East Asia Experience? *Applied Population and Policy* 1: 3-14.
- Senesi, P. (2003). "Population Dynamics and Life-Cycle Consumption". *Journal of Population Economics*, Vol. 16, No. 2 (May, 2003), pp. 389-394, Springer.
- Sethi, N and Pradhan, H. K. (2012). The Patterns of Consumption Expenditure in Rural households of Western ODISHA of India: An Engel Ratio Analysis, *International Journal of Sustainable Development*.
- Shoven, J. (2011). "Demography and the Economy". National Bureau of Economic Research, 861.
- Yusuf, F. & Brooks, G. (2010). *Demographics and Consumption Patterns in Urban China*, Population Research and Policy Review, Springer.
- Warde, A. (1994). Consumption, identity-formation and uncertainty. *Sociology*, 22 (4), 877-897 Oslo: Statistics Norway.